



سازه‌های مؤثر بر مشارکت اعضای تعاونی زنان تفیهان، شهرستان شیراز

موسی اعظمی^۱، نسیم ایزدی^۲

چکیده

مشارکت زنان همواره یکی از ارکان مهم در توسعه اجتماعی و اقتصادی جوامع بوده است. در دهه‌های اخیر در ایران مشارکت زنان به عنوان نیروی فعال روستایی و بخش کشاورزی مورد توجه محققین قرار گرفته است. تعاونی‌ها بعنوان سازمان‌های مردم-نهاد می‌توانند زمینه‌ساز هم‌افزایی توانمندی‌های زنان و بهبود مشارکت آنان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی باشند. لذا این مطالعه با هدف تبیین سطوح مشارکت اعضاء تعاونی زنان تفیهان و عوامل مؤثر بر آن انجام شد. جمعیت این مطالعه تمام اعضای تعاونی تفیهان بود (۴۱۸ عضو) که تعداد ۲۰۰ نفر از ایشان با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه بندی تصادفی انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بود که روایی صوری آن بوسیله پانلی از متخصصین تأیید و برای بررسی پایایی آن نیز آزمون راهنما اجرا شد که آلفای کرونباخ متغیرها بین ۰/۸۸ - ۰/۷۲ بود. یافته‌ها نشان داد که پنج متغیر پنج متغیر آگاهی اعضاء، جو تعاونی، سن اعضاء، حمایت‌های مالی تعاونی و برنامه‌ریزی تعاونی جهت اجرای فعالیت‌ها به ترتیب وارد معادله رگرسیونی شدند و مجموعاً توانستند حدود ۵۴ درصد از مشارکت اعضاء را پیش بینی کنند. در نهایت با توجه به یافته‌ها، پیشنهاد‌های کاربردی جهت پیشبرد تعاونی ارائه شد.

واژه‌های کلیدی: میزان مشارکت، تعاونی زنان روستایی، توسعه روستایی، آگاهی اعضاء.

^۱ استادیار بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان

^۲ دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان



مقدمه

مفهوم مشارکت از دو قرن پیش وارد نظام‌های سیاسی و سپس قلمرو صنعت، بازرگانی و اقتصاد گردید، اما در سه دهه اخیر به شدت مورد توجه متخصصان توسعه و سیاستمداران قرار گرفته است. فلسفه اصلی مشارکت، استفاده از فکر و نظر دیگران در تصمیم‌گیری‌ها است (شاعری و سعدی، ۱۳۸۲).

مشارکت عبارتست از درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گوناگون، به گونه‌ای که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی دیگران را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (طوسی، ۱۳۷۲).

مشارکت مردم در روند توسعه، نزد صاحب نظران چنان جایگاهی دارد که گاه توسعه را معادل مشارکت دانسته اند و یا مشارکت را وسیله و هدف توسعه ذکر کرده‌اند. مشارکت به مثابه واقعیتی اجتماعی و جوهره جوامع انسانی، به لحاظ تاریخی ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد و از فرایندهایی به شمار می‌آید که با گذشت زمان دگرگون شده و صورت‌های چندگانه‌ای به خود گرفته است (پطروشفسکی و دیگران، ۱۳۴۹).

امروزه جدا کردن مفهوم مشارکت و تعاون از مفاهیم توسعه امری دشوار است. مشارکت به عنوان عنصری کلیدی در توسعه محسوب می‌شود که برای تضمین موفقیت توسعه می‌بایست آن را در فرآیند توسعه لحاظ نمود. مشارکت حلقه گمشده در فرآیند توسعه می‌باشد که می‌بایست آن را در طرح‌های توسعه جای داد. زنان نیز که جزئی از نیروهای فعال در جامعه هستند، در فرآیند توسعه دخیل هستند و توجه به آنها می‌تواند مسیر توسعه را هموارتر کند. به طوری که وضعیت زنان در هر جامعه‌ای نشانگر میزان پیشرفت آن جامعه است (محمودیان، ۱۳۸۲). در جهان به ویژه در جوامع روستایی و بخش کشاورزی همواره مردان بیش از زنان مورد توجه قرار گرفته‌اند. بی‌اعتنایی و غفلت از نقش زنان در طرح‌های توسعه موجب شد تا در سال ۱۹۷۵ به عنوان سال جهانی زن و دهه ۱۹۸۵-۱۹۷۶ از طرف سازمان ملل متحد به عنوان دهه زنان لقب گیرد. مدیران و برنامه‌ریزان کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه، به زنان روستایی، توانمندی آنها و نقش ایشان در فرآیند دگرگونی و توسعه جامعه روستایی، چندان اعتقادی ندارند و زنان در این کشورها بیشتر عناصر حاشیه‌ای، غیر فعال و غیر مولد محسوب می‌شوند؛ از این رو جای تعجب نخواهد بود که زنان در چنین شرایطی، به تدریج، از آموزش‌های نوین، توزیع عادلانه درآمد، پیوند با بازار و در یک کلام از مشارکت در سطوح تصمیم‌گیری محروم شوند (امینی و احمدی شاپورآبادی، ۱۳۸۶). زنان تنها یک دهم درآمد دنیا را دریافت نموده و کمتر از یک درصد دارایی‌های دنیا را در تصرف دارند. از دیرباز زنان روستاهای ایران در کنار امور خانه‌داری، همسرداری و تربیت فرزندان، به فعالیت‌هایی نظیر بذرکاری، نشای صیفی‌جات، تنک و وجین کردن چغندر و پنبه، کوبیدن حبوبات و کمک در بوجاری محصولات مزرعه، جمع‌وجور کردن امور دامداری و خشک کردن گوشت برای مصرف در فصل سرما می‌پردازند (شهبازی، ۱۳۸۲). این نشان از وجود توانمندی‌های مختلف در بین زنان روستایی است که متأسفانه، در مقایسه با مردان روستایی توجه بسیار ناچیزی به آن شده است. آمارها و ارقام مربوط به فعالیت‌های زنان به دلایل گوناگون واقعیت‌ها را نشان نمی‌دهد، به دلیل اینکه بیشتر زنان در مقابل کارشان پول دریافت نمی‌کنند و فعالیت‌های تولیدی آنها جزء کارهای خانه به حساب می‌آید و زنان خانه‌دار شمرده شده و از نظر اقتصادی غیر فعال محسوب می‌شوند (قاسمی و واحدی، ۱۳۸۲). در ایران هر زن فعال روستایی ۳ تا ۵ ساعت و گاه ۸ ساعت از وقت خود را در امور مربوط به صنایع دستی صرف می‌کند. این قشر همچنین در کارهای زراعت و باغداری مشارکت فعال دارند. در این بین هر زن سالانه از ۲۰ روز تا ۲ ماه روزانه از ۴ ساعت تا ۸ ساعت در امور زراعی به شوهر خود کمک می‌کند. همچنین ۴۰ درصد فعالیت‌های کشاورزی به وسیله زنان روستایی انجام می‌شود و ۲۵ درصد ارزش افزوده بخش کشاورزی را زنان روستایی ایجاد می‌کنند و حدود ۸۵ درصد فعالیت‌های دامداری و صنایع دستی در روستاها توسط زنان ایجاد می‌شود (بیک‌زاده، ۱۳۸۶).

بر اساس آمارهای سازمان ملل، ایران از نظر مشارکت نیروی کار در اقتصاد کشور، رتبه ۱۲۸ را در میان ۱۳۴ کشور کسب کرده است. ۲۳ درصد زنان ایرانی در بخش اقتصاد کشور مشارکت دارند که در مقابل آن، مشارکت مردان ۷۷ درصد است. از این میان، ۳۴ درصد زنان در بخش کشاورزی فعالیت دارند که این رقم در برابر ۲۳ درصد مردان قرار دارد (اعظمی و سروش‌نیا، ۱۳۸۹).



بر اساس برخی آمارها گفته میشود زنان ۷۰ درصد فعالیت مربوط به زراعت برنج، ۹۰ درصد فعالیت مربوط به تولید سبزی و صیفی، ۵۰ درصد فعالیت مربوط به زراعت پنبه و دانه‌های روغنی، ۳۰ درصد مربوط به امور برداشت باغها و ۸۰ تا ۱۰۰ درصد فعالیت مربوط به تولید لبنیات را در بیشتر استان‌های کشور به عهده دارند (مشیری و همکاران، ۱۳۸۸).

مفهوم مشارکت محلی به یک دغدغه جهانی برای نظریه پردازان و متخصصان توسعه روستایی تبدیل شده است. در حقیقت مشارکت به عنوان ابزاری کارآمد برای رشد و توسعه در نظر گرفته می‌شود. این جریان بر پایه دوندنظریه بنا شده است: از طرفی ارزش‌های مردم سالاری، ضرورت مشارکت مردم در توسعه سیاست‌ها و برنامه‌ها را ضروری می‌داند و از طرف دیگر حضور مردم در مراحل تصمیم سازی برنامه های توسعه، عامل تضمین کننده آنها در مراحل آتی طرح است (Seetharam, ۱۹۹۰). مشارکت کلید اصلی دستیابی به نیروهای محلی و به کارگیری آنان برای هرگونه اقدام توسعه ای است (UNDP, ۲۰۰۵).

از اوایل دهه ۱۹۷۰ به بعد با تأکید کارشناسان بر توسعه یکپارچه روستایی و به دنبال آن نقش مشارکت روستاییان و به ویژه زنان روستایی در روند توسعه، نحوه و دامنه فعالیت زنان در امور روستایی به شکل عام و در فعالیت‌های کشاورزی به طور اخص به گونه ای مشهود مورد توجه قرار گرفته است. چرا که زنان روستایی علاوه بر اینکه حدود نیمی از جمعیت روستاها را تشکیل می‌دهند، به عنوان نیروی انسانی قابل توجه، نقش اساسی در تولید محصولات کشاورزی و غذایی و به طور کلی در فعالیت‌های مختلف رایج در روستا دارند به گونه‌ای که ۴۰ درصد از نیروی کار بخش کشاورزی را تشکیل می‌دهند و ۵۰ درصد از فعالیتهای مربوط به تولیدات کشاورزی به وسیله آنها انجام می‌شود. ضمن اینکه در تمام مراحل پرورش دام نقش بسزایی داشته‌اند و ۷۵ درصد تولیدات صنایع دستی کشور نیز توسط آنها تولید می‌شود (آجیلی و دانایی، ۱۳۸۴).

این در حالی است که در اعلامیه و برنامه کار کنفرانس جهانی اصلاحات ارضی و توسعه روستایی آمده است "زنان باید همگام و همپای مردان در فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی توسعه روستایی سهیم و شریک باشند و به طور کامل در بهبود وضع زندگی ساکنان مناطق روستایی، ایفای نقش نمایند" (پور طوق، ۱۳۸۰).

مشارکت فرآیندی است که افراد دخیل در آن به صورت فعال، آگاه، آزاد و مسئول برای رسیدن به هدفی مشترک تلاش می‌کنند (سازمان ملل متحد، ۱۳۷۵).

مشارکت فرآیندی است که در آن افراد مشارکت کننده در مورد موضوعی که مرتبط با زندگی فرد یا گروه است، به منظور رسیدن به یک هدف مشترک با یکدیگر تعامل می‌کنند و به عقاید یکدیگر احترام می‌گذارند (لوئیس چاولا، ۲۰۰۱).

مشارکت را سازماندهی افراد در قالب گروه‌ها، تشکلهای و سازمان‌های مورد نظر، وسیله‌ای جهت افزایش و توزیع مجدد فرصت‌ها و شرکت جستن در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و همیاری در توسعه و بهره‌مند شدن از ثمرات آن تعریف نموده‌اند (علی‌بیگی و گلابی، ۱۳۹۲).

پیشینه پژوهش

دستیابی به توسعه تعاونی‌ها بدون نهادینه کردن مشارکت اعضا در فرآیندهای آن، امری محال است. در سال‌های اخیر، رویکرد مشارکتی مورد توجه فزاینده‌ای قرار گرفته است. اهمیت مشارکت هم بعنوان هدف و هم بعنوان وسیله مطرح می‌گردد. تعاونی‌ها تا زمانی که تعاون، کار و تلاش جمعی را ترویج می‌دهند، ابزاری سازمانی یا تشکیلاتی جهت پاسخگویی به منافع جمعی و بوم‌شناختی هستند (روستا و همکاران، ۱۳۸۹). تعاونی زنان نیز از این امر پیروی می‌کند.

زرافشانی و همکاران (۱۳۸۸)، در پژوهش خود به تعیین جایگاه مشارکت زنان روستایی کرمانشاه پرداختند و بیان کردند که بیشترین میزان مشارکت زنان مربوط به پله دگرگون‌سازی بوده و بین میزان مشارکت زنان با وضعیت تأهل و میزان تحصیلات متفاوت، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

بر اساس نتایج تحقیق علی‌بیگی و بنی‌عامریان (۱۳۸۸)، می‌توان گفت که سطح تحصیلات، سن و سطح تحصیلات همسر از عوامل تأثیرگذار بر میزان مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی - ترویجی است.

اعظمی و سروش‌مهر (۱۳۸۹)، در تحقیق خود از متغیرهای سن، میزان تحصیلات، تعداد اعضای خانواده، سابقه عضویت در تعاونی، سابقه مدیریت تعاونی، سودآوری پروژه، مدت بهره‌برداری از پروژه و مالکیت دام را بعنوان عوامل تأثیرگذار بر میزان مشارکت بیان کردند که از



بین آنها میزان سابقه عضویت، بهبود وضعیت اقتصادی خانواده و سابقه مدیریت، به ترتیب بیشترین تأثیر را بر مشارکت زنان روستایی در تعاونی تولید داشتند.

غفاری و ترکی هرچگانی (۱۳۹۰)، در مطالعه خود بر روی زنان استان چهارمحال و بختیاری بیان کردند که بین عوامل اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی با میزان مشارکت زنان و دختران روستایی رابطه معناداری وجود دارد.

بر اساس مطالعه احمدوند و شریفزاده (۱۳۹۰)، متغیرهای سن، بعد خانوار، سرمایه اجتماعی، سطح تحصیلات، سطح آگاهی و اطلاعات و اشتغال در خارج از منزل از مهمترین تعیین کننده‌های مشارکت اجتماعی زنان روستایی در شهرستان بویراحمد هستند.

خانی و احمدی (۱۳۹۰)، در مطالعه خود بیان کردند که بین سطح تحصیلات زنان روستایی با میزان مشارکت اقتصادی و در نتیجه میزان تصمیم‌گیری آنها رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

کوشکی و همکاران (۱۳۹۰)، در تحقیق خود عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی را در سه گروه آموزشی - مدیریتی، اجتماعی - روانشناختی و اقتصادی - حمایتی دسته‌بندی کردند.

ارتیاعی و همکاران (۱۳۹۰)، در تحقیق خود منابع اطلاعاتی و ارتباطی، میزان اراضی و سن را از عوامل تبیین کننده مشارکت جوانان روستایی در توسعه کشاورزی دانسته‌اند.

قنبری و همکاران (۱۳۹۱)، در تحقیق خود نشان دادند که سطح مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی متوسط تا زیاد است و بین متغیرهای تعداد دام، میزان مالکیت، شرکت در کلاس‌های آموزشی، بعد خانوار و سن با میزان مشارکت آنها در فعالیت‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

علی‌بیگی و گلابی (۱۳۹۲)، در تحقیق خود بیان کردند که کمترین میزان مشارکت زنان در مرحله مشاوره بوده. همچنین آنها در تحقیق خود نشان دادند که عوامل اجتماعی، اقتصادی، نهادی و فردی بر میزان مشارکت زنان تأثیر دارد و رابطه مستقیم و معنی‌داری بین عوامل اجتماعی، اقتصادی و نهادی با میزان مشارکت زنان موجود است.

صفری شالی (۱۳۸۰)، از جمله موانع توفیق مشارکت زنان در امور اجتماعی و اقتصادی به موانع آموزشی، فرهنگی و اجتماعی اشاره می‌کند. مطالعاتی توسط بذرافشان و شاهین (۱۳۸۹) انجام شده مهم‌ترین آسیب‌هایی که تعاونی‌ها را تهدید می‌کنند عبارتند از آگاهی محدود اعضا از اصول و فلسفه شکل‌گیری تعاونی‌ها، ضعف آموزش اعضا تعاونی، محدودیت سرمایه، گرایش تعاونی‌ها به دولت می‌باشد.

مطالعاتی در ژاپن نشان داد که رابطه مثبت و معنی‌دار قوی بین آگاهی، درک مثبت و دیدگاه افراد با میزان مشارکت آنها در طرح‌های حفاظت محیط زیست وجود دارد (Sirivongs and Tsuchiya, ۲۰۱۲).

کیوایو و همکاران (Kwayu et al., ۲۰۱۴)، در تحقیق خود درباره مشارکت کشاورزان در پرداخت هزینه خدمات آبیاری بیان کردند که عواملی مثل اندازه زمین، میزان اطلاعات، سیاست‌های دولت و میزان مشارکت دادن کشاورزان در تصمیم‌گیری و طراحی برنامه‌ها بر میزان مشارکت آنها تأثیرگذار است.

تحقیقی در سوئد درباره تأثیر توسعه تعاونی‌ها بر مشارکت بهره‌برداران در مدیریت محلی آب نشان داد که حمایت‌های موسسات محلی (تعاونی‌ها)، حضور اعضا در تصمیم‌گیری‌های تعاونی، نظم موجود و جو حاکم بر تعاونی (روابط اعضا، عدالت، آگاهی و انعطاف‌پذیری)، تجربه و سطح سواد اعضا و رهبری مناسب از عوامل تأثیرگذار بر میزان مشارکت بهره‌برداران در این تعاونی‌هاست (Franzen et al., ۲۰۱۵).

تحقیقی در تانزانیا جهت تعیین مؤلفه‌های مؤثر بر مشارکت کشاورزان خرده‌پا در بازاریابی محصولات انجام شد و نشان داد که عواملی مثل اطلاعات و آگاهی، ویژگی‌های شخصیتی افراد خانواده، سطح تحصیلات سرپرست، اندازه زمین و حضور افراد در تصمیم‌گیری بر میزان مشارکت افراد در بازاریابی محصولات مؤثر است (Mmbando et al., ۲۰۱۵).

نتایج تحقیقی در هلند نشان داد که شرایط اقتصادی، خانواده، سطح تحصیلات، دیدگاه مثبت به جنس زن عواملی است که بر میزان مشارکت زنان در یازده گروه سنی مختلف در ۱۱۷ کشور بررسی شده و بر هر گروه سنی تأثیر خاص خود را داشته است (Besamusca et al., ۲۰۱۵).



مطالعه امین و ابراهیم در مالزی (Amin and Ibrahim, ۲۰۱۶)، نشان داد که ۳۱/۱ درصد از توسعه اقتصادی توسط میزان مشارکت افراد پیش‌بینی می‌شود که خود میزان مشارکت شدیداً تحت تأثیر میزان آگاهی و دیدگاه افراد قرار دارد.

مواد و روش‌ها

این تحقیق از لحاظ گردآوری داده‌ها، میزان نظارت و درجه کنترل متغیرها و قابلیت تعمیم از نوع تحقیق توصیفی - همبستگی است. در اجرای این پژوهش از فن پیمایش استفاده شده است. جامعه آماری مورد پژوهش، تمامی زنان عضو تعاونی تفیهان (۴۱۸ عضو که در روستای تفیهان ۳۴۱ نفر و در روستای اسماعیل آباد ۷۷ نفر عضو تعاونی می‌باشند) با دامنه سنی ۱۶ تا ۷۵ سال را شامل می‌شود. در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری تصافی طبقه‌بندی شده، استفاده شد. حجم نمونه آماری بر اساس جدول کرجسی و مورگان^۳ (۱۹۷۰) ۲۰۰ نفر برآورد شد و تعداد نمونه در هر روستا نیز با گرفتن تناسب بین تعداد افراد عضو در هر دو روستا مشخص شد که در روستای تفیهان ۱۶۳ نفر و در روستای اسماعیل آباد ۳۷ نفر عضو بررسی شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده گردید. پرسشنامه مورد نظر برای سنجش گویه‌های هر متغیر از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (کاملاً مخالف، مخالف، نظری ندارم، موافق و کاملاً موافق) بهره گرفت. داده‌پردازی و برآوردهای پژوهش نیز با نرم‌افزار SPSS، نسخه ۲۰ انجام پذیرفت. روایی صوری پرسشنامه توسط صاحب‌نظران دانشگاهی تأیید و برای بررسی پایایی آن نیز آزمون راه‌نما اجرا شد که آلفای کرونباخ برای گویه‌های مختلف در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول ۱. مقادیر آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
مساله محوری	۱۰	۰/۸۱
برنامه‌ریزی جهت اجرای فعالیت‌ها	۱۱	۰/۸۸
نظارت تعاونی	۱۰	۰/۸۵
سیاست‌های دولت	۶	۰/۷۶
حمایت‌های مالی تعاونی	۶	۰/۷۲
جو تعاونی	۷	۰/۸۰
آگاهی	۳	۰/۷۵

مورد مطالعه

این پژوهش در تعاونی زنان تفیهان انجام شد. تعاونی مورد نظر در روستای تفیهان (تیون)، دهستان بید زرد، بخش مرکزی در شهرستان شیراز واقع شده است. تعاونی تفیهان در ۱۰ کیلومتری مرکز استان فارس قرار دارد که علاوه بر روستای تفیهان، روستای اسماعیل آباد را نیز تحت پوشش خود قرار داده است. این تعاونی در سال ۱۳۷۷ با ۴۵ عضو و سرمایه ابتدایی ۴۲۰۰۰۰۰ ریال فعالیت خود را آغاز نمود. در حال حاضر این تعاونی با ۴۱۸ عضو و سرمایه‌ای معادل ۱۵۴ میلیون ریال مشغول به فعالیت می‌باشد. این تعاونی توانسته است با ارائه خدمات و فعالیت‌های متنوع به اعضا در سال ۱۳۸۶ از سوی وزارت تعاون و جهاد کشاورزی جزء تعاونی‌های موفق در سطح استان و حتی کشور معرفی شود. از جمله فعالیت‌ها و خدماتی که این تعاونی به اعضای خود ارائه داده است، می‌توان به مواردی از قبیل برگزاری کلاس‌های آموزشی و مهارت‌آموزی نظیر: خیاطی، پرورش قارچ، روان‌شناسی، مشاوره خانواده، کارآفرینی، آشپزی اشاره کرد. همچنین ایجاد اشتغال برای زنان بی‌سرپرست روستا، بازدید از تعاونی‌های موفق در سطح استان و کشور، ارائه وام به اعضای تعاونی، برپایی نمایشگاه و عرضه محصولات تولیدشده توسط اعضای تعاونی از دیگر کارکردهای این تعاونی است.

یافته‌ها و بحث

^۳ . Krejcie and Morgan's Table



ویژگی‌های فردی و خانوادگی افراد

بر طبق نتایج توصیفی، پاسخگویان مورد مطالعه بین گروه سنی ۱۶ تا ۷۵ سال قرار داشتند. از نظر تحصیلات، ۱۲ درصد بی‌سواد، ۱۲ درصد سواد خواندن و نوشتن، ۳۶ درصد سیکل، ۳۱ درصد دیپلم و ۹ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. شغل اصلی اکثریت اعضای تعاونی خانه‌داری (۸۳ درصد) و سایر اعضا در شغل‌هایی نظیر باغداری، زراعت، دامپروری، شغل آزاد و دولتی مشغول به کار بودند. بیش‌ترین میزان سابقه عضویت در تعاونی ۱۳ سال و کم‌ترین سابقه ۴ سال بوده است. با توجه به میزان استفاده از وام، حدود ۸۵ درصد از اعضا از تعاونی مورد نظر وام دریافت نموده‌اند. از نظر میزان درآمد ماهیانه خانوار، ۲۲/۵ درصد در صد بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ و ۷۷/۵ درصد بیش از ۴۰۰ هزار تومان درآمد داشتند. از نظر بعد خانوار، اکثر خانواده‌های مورد بررسی (۴۹ درصد) ۴ و ۵ نفره بودند. همچنین، بطور میانگین اعضا در چهار دوره آموزشی شرکت داشتند.

همبستگی بین متغیرهای پژوهش

پیش از محاسبه رگرسیون، همبستگی بین متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. بطوری که هرچه همبستگی بین متغیرها قوی‌تر باشد، پیش‌بینی نیز دقیق‌تر خواهد بود. همبستگی‌های بین متغیرهای تحقیق نشان می‌دهد که بین دو متغیر حمایت‌های مالی تعاونی و برنامه‌ریزی تعاونی جهت اجرای فعالیت‌ها با ضریب ۰/۷۸، بیش‌ترین همبستگی وجود دارد. همچنین، در همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته، متغیرهای برنامه‌ریزی تعاونی جهت اجرای فعالیت‌ها، حمایت‌های مالی تعاونی و آگاهی اعضا به ترتیب با ضریب ۰/۶۶، ۰/۶۲ و ۰/۴۸ بیش‌ترین و متغیر تعداد اعضای خانواده با ضریب ۰/۰۹ کم‌ترین همبستگی را دارا می‌باشد.

X _۱ = مساله محوری تعاونی	X _۵ = جو تعاونی	X _۹ = سن اعضا
X _۲ = حمایت‌های مالی تعاونی	X _۶ = تعداد اعضای خانواده	X _{۱۰} = میزان مشارکت اعضا
X _۳ = برنامه‌ریزی تعاونی جهت اجرای فعالیت‌ها	X _۷ = آگاهی اعضا	
X _۴ = نظارت تعاونی	X _۸ = سطح تحصیلات اعضا	

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای تحقیق

متغیرهای تحقیق	X _۱	X _۲	X _۳	X _۴	X _۵	X _۶	X _۷	X _۸	X _۹	X _{۱۰}
X _۱	۱									
X _۲	۰/۴۴*	۱								
X _۳	۰/۵۶**	۰/۷۶**	۱							
X _۴	۰/۳۸*	۰/۷۵**	۰/۷۸**	۱						
X _۵	۰/۲۴	-۰/۴۳*	-۰/۴*	-۰/۵۱**	۱					
X _۶	۰/۰۶	-۰/۲۴	-۰/۳۴*	-۰/۱۵	۰/۵۵**	۱				
X _۷	۰/۲	-۰/۱۱	-۰/۱۳	-۰/۱۲	۰/۵۴**	۰/۵۴**	۱			
X _۸	۰/۲۶	۰/۴۴*	۰/۳۹*	۰/۶۳**	-۰/۱۰	۰/۲۵	۰/۱۵	۱		
X _۹	۰/۶۲**	۰/۵۳**	۰/۱۲	۰/۵۳**	-۰/۰۸	-۰/۰۷	۰/۲۵	۰/۴۸**	۱	
X _{۱۰}	۰/۱۷	۰/۶۲**	۰/۶۶**	۰/۳۸	۰/۴*	۰/۰۹	۰/۴۸**	۰/۱۲	-۰/۴**	۱

*: معنی‌دار در سطح ۰/۰۵

** : معنی‌دار در سطح ۰/۰۱



پیش‌بینی سازه‌های مؤثر بر میزان مشارکت اعضاء تعاونی

به منظور تعیین توانایی متغیرهای مستقل در پیش‌بینی متغیر وابسته میزان مشارکت اعضاء، از آزمون آماری رگرسیون چند متغیره به روش مرحله‌ای یا گام به گام استفاده گردیده است. مدل رگرسیون با مقدار $F=24/47$ و در سطح $p=0/000$ معنی‌دار گردید. همان‌گونه که جدول (۳) نشان می‌دهد، از بین کل متغیرهای مستقل، پنج متغیر آگاهی اعضاء، جو تعاونی، سن اعضاء، حمایت‌های مالی تعاونی و برنامه‌ریزی تعاونی جهت اجرای فعالیت‌ها به ترتیب وارد معادله رگرسیونی شدند. تحلیل رگرسیونی نشان داد، به ازاء یک واحد تغییر در انحراف معیار متغیرهای مستقل آگاهی اعضاء، جو تعاونی، سن اعضاء به ترتیب $0/49$ ، $0/36$ و $-0/44$ واحد تغییر در سطح متغیر وابسته میزان مشارکت اعضاء ایجاد می‌شود. همچنین، با تغییر یک واحد در انحراف معیار متغیرهای مستقل حمایت‌های مالی تعاونی و برنامه‌ریزی تعاونی جهت اجرای فعالیت‌ها به ترتیب $0/26$ و $0/85$ واحد در میزان مشارکت اعضاء تغییر ایجاد می‌شود. به بیان دیگر، اگر اعضای تعاونی آگاهی بیشتری داشته باشند، جو تعاونی مطلوب‌تر و صمیمی‌تر باشد و سن افراد کمتر (جوانتر) باشد، میزان مشارکت آنها بیشتر خواهد بود. همچنین، هرچه حمایت‌های مالی تعاونی از اعضاء بیشتر باشد و برنامه‌ریزی‌های تعاونی منظم‌تر و مناسب‌تر باشد، اعضاء مشارکت بیشتری در تعاونی خواهند داشت.

جدول ۳. متغیرهای مستقل وارد شده در مدل رگرسیون

متغیرهای پیش‌بین	B	Beta	t	Sig
عرض از مبدأ (Constant)	9/83	-	3/06	0/003
آگاهی اعضاء	0/495	0/49	3/90	0/000
جو تعاونی	0/361	0/36	2/02	0/046
سن اعضاء	-0/448	-0/44	-3/79	0/000
حمایت‌های مالی تعاونی	0/266	0/26	2/16	0/033
برنامه‌ریزی تعاونی جهت اجرای فعالیت‌ها	0/854	0/85	4/26	0/000

براساس میزان R^2 پنج متغیر وارد شده در مجموع قادرند حدود ۵۴ درصد ($53/8$ درصد) از تغییرات در متغیر وابسته میزان مشارکت اعضاء تعاونی را پیش‌بینی کنند. دو متغیر مستقل آگاهی اعضاء و جو تعاونی به ترتیب هر یک $21/5\%$ و $20/3\%$ از میزان تغییرات در مشارکت اعضاء را توضیح می‌دهد و سه متغیر سن اعضاء، حمایت‌های مالی تعاونی و برنامه‌ریزی تعاونی جهت اجرای فعالیت‌ها به ترتیب $7/1\%$ ، 5% و $2/3\%$ از میزان تغییرات در متغیر وابسته میزان مشارکت اعضاء را توضیح می‌دهند. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات اعظمی و سروش‌مهر (۱۳۸۹)، احمدوند و شریف‌زاده (۱۳۹۰)، کوشکی و همکاران (۱۳۹۰)، ارتیاعی و همکاران (۱۳۹۰)، قنبری و همکاران (۱۳۹۱)، بذرافشان و شاهین (۱۳۸۹)، Sirivongs and Tsuchiya, ۲۰۱۲، Franzen et al., ۲۰۱۵، Mmbando et al., ۲۰۱۵، Besamusca et al., ۲۰۱۶، Amin and Ibrahim, ۲۰۱۶ مطابقت دارد.



جدول ۴. تبیین میزان تغییرات در میزان مشارکت اعضاء تعاونی توسط متغیرهای مستقل

متغیر	R	R ^۲	R ^۲ Adjust	R ^۲ Change
آگاهی اعضاء	۰/۴۶۴	۰/۲۱۵	۰/۲۰۹	۰/۲۱۵
جو تعاونی	۰/۶۴۷	۰/۴۱۸	۰/۴۰۶	۰/۲۰۳
سن اعضاء	۰/۶۹۹	۰/۴۸۹	۰/۴۷۳	۰/۰۷۱
حمایتهای مالی تعاونی	۰/۷۳۴	۰/۵۳۹	۰/۵۱۹	۰/۰۵۰
برنامه ریزی تعاونی جهت اجرای فعالیتها	۰/۷۵۰	۰/۵۶۲	۰/۵۳۸	۰/۰۲۳

در نهایت، با توجه به مدل نهایی رگرسیون چند متغیره با معادله زیر می توان میزان مشارکت اعضا در تعاونی را تخمین زد:

$$Y = a + b_1x_1 + b_2x_2 + b_3x_3 + b_4x_4 + b_5x_5 + b_6x_6 + b_7x_7$$

$$Y = ۹/۸۳ + ۰/۴۹۵ x_1 + ۰/۳۶۱ x_2 - ۰/۴۴۸ x_3 + ۰/۲۶۶ x_4 + ۰/۸۵۴ x_5$$

نتیجه گیری و پیشنهادها

مشارکت فرآیندی زنده و پویا است که منجر به بررسی پیشنهادهای گوناگون مردم و در نهایت موجب تواناسازی آنان در فرآیند توسعه می شود. (فمی، ۱۳۷۳) در واقع مشارکت قلب تپنده توسعه است بدون مشارکت هیچ فعالیتی در جوامع بزرگ و کوچک و از جمله نواحی روستایی به سرانجام نخواهد رسید. (عفتی، ۱۳۷۷) در جهان کنونی، نیل به اهداف توسعه بدون بهره گیری از ذخیره عظیم نیمی از پیکر جامعه یعنی زنان - امری غیر ممکن است به دیگر سخن، یکی از شاخص های نو سازی اقتصاد ملی و توسعه اجتماعی، مشارکت زنان و نحوه ایفای نقش آنان در ساختار اقتصادی و توسعه ای می باشد. بنابراین هدف از انجام این مطالعه بررسی میزان مشارکت زنان عضو تعاونی، در فعالیت های تعاونی بود. یافته های حاصل از آزمون رگرسیون نشان داد که پنج متغیر پنج متغیر آگاهی اعضاء، جو تعاونی، سن اعضاء، حمایتهای مالی تعاونی و برنامه ریزی تعاونی جهت اجرای فعالیتها به ترتیب وارد معادله رگرسیونی شدند و مجموعاً توانستند حدود ۵۴ درصد از مشارکت اعضاء را پیش بینی کنند. در واقع هرچه اعضاء آگاهی بیشتری داشته باشند و جو تعاونی صمیمی تر باشد و اعضاء جوانتر باشند و تعاونی برنامه ریزی دقیق تری داشته باشد و حمایت بیشتری از اعضاء انجام دهد، پیش بینی می شود که در این شرایط میزان مشارکت اعضاء بیشتر شود.

در پایان با توجه به یافته ها و نتایج بدست آمده از این مطالعه پیشنهادهای زیر مطرح می گردد.

- از آنجا که آگاهی افراد بعنوان اولین عامل تأثیرگذار بر میزان مشارکت آنهاست لذا پیشنهاد میگردد با برگزاری دوره ها و کارگاه های توجیهی، سطح آگاهی افراد در مورد وظایف و کارکردهای تعاونی و حقوقشان افزایش داده شود. با بالا رفتن سطح آگاهی افراد انگیزه آنها برای مشارکت و بهبود عملکرد تعاونی نیز افزایش می یابد.

- با توجه به اینکه مشخص شد جو تعاونی بر بالا رفتن میزان مشارکت اعضاء اثرگذار است بنابراین پیشنهاد میگردد در تعاونی جوی ایجاد شود که اعضاء در آن احساس راحتی و صمیمیت با یکدیگر داشته باشند و بر همدلی بین اعضاء و یا بین اعضاء و هیئت مدیره تأکید شود. در چنین جوی اعضاء احساس مطلوبی خواهند داشت و منافع جمع را بر منافع فردی خود مقدم می دانند و مشارکت بیشتری در امور برای بهبود عملکرد تعاونی خواهند داشت.

- با توجه به اینکه سن اعضاء بر میزان مشارکت آنها تأثیر منفی دارد لذا هر چه اعضاء جوانتر باشند میزان مشارکت و فعالیتشان در تعاونی بیشتر خواهد بود چون با افزایش سن انگیزه مشارکت کاهش می یابد و مشغله های فرد زیاد می شود بنابراین میزان مشارکت آنها کاهش می یابد.

- حمایت های تعاونی نیز یکی از عوامل مؤثر است یعنی هرچه تعاونی حمایت های گسترده تری از اعضاء داشته باشد، اعضاء انگیزه بیشتری برای مشارکت در فعالیت ها پیدا می کنند و در نتیجه مشارکت بیشتری خواهند داشت. منظور از حمایت های تعاونی تنها حمایت مالی نیست بلکه حمایت های قانونی و روحی و غیره است.



- همچنین برنامه ریزی تعاونی جهت انجام امور نیز عاملی تأثیرگذار است که پیشنهاد می‌گردد تعاونی‌ها با برنامه‌های دقیق و از پیش تعیین شده بر اساس نیاز سنجی از اعضاء و در نظر گرفتن شرایط به بهبود جو و در نتیجه افزایش مشارکت اعضاء کمک کنند.
- برای تحقیقات آینده نیز پیشنهاد می‌شود که توانمندی اعضاء تعاونی مد نظر قرار گیرد و یا پتانسیل سنجی در مورد میزان فعالیت و توانمندی اعضاء انجام شود.

منابع

- آجیلی، ع. و دانایی، م. (۱۳۸۴). مروری بر تنگناهای مشارکتی در تعاونیهای زنان، روستایی ایران. ماهنامه جهاد، سال (۲۶۹) ۲۵.
- احمدوند، م. و شریف‌زاده، م. (۱۳۹۰). تعیین‌کننده‌های مشارکت اجتماعی زنان روستایی: مورد مطالعه شهرستان بویراحمد. *مطالعات اجتماعی - روانشناختی زنان*، (۳) ۹، ۱۳۹ - ۱۶۶.
- اعظمی، م. و سروش‌مهر، ه. (۱۳۸۹). تأثیر متغیرهای فردی و اقتصادی زنان روستایی بر مشارکت آنان در تعاونی تولید (مطالعه موردی: تعاونی توپ‌سازی شهرستان پاوه و اورامانات). *پژوهش‌های روستایی*، ۱۷۹، ۴ - ۲۰۴.
- امینی، ا. م. و احمدی شاپورآبادی، م. ع. (۱۳۸۶). اشتغال زنان روستایی در دو شهرستان برخوار- میمه و فلاورجان استان اصفهان و ارزیابی تأثیر آن بر خوداتکایی اقتصادی آنها. *مطالعات زنان*، (۱) ۵، ۶۵-۹۱.
- ارتیاعی، ف.، چیدری، م. و جعفری، م. (۱۳۹۰). عوامل تأثیرگذار بر مشارکت جوانان روستایی در زمینه توسعه کشاورزی (مطالعه موردی: شهرستان کرمانشاه). *پژوهش روستایی*، (۳) ۲، ۵۵ - ۷۳.
- بذرافشان، ج. و شاهین، ح. (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی تعاونی‌های تولید روستایی در ایران، مجموعه مقالات چهارمین کنگره جغرافی‌دانان جهان اسلام، ایران، ۲۷ فروردین ۱۳۸۹.
- بیک‌زاده، ج. (۱۳۸۶). تعاونی‌های زنان کلید مشارکت و بهبود موقعیت آنان در توسعه. *تعاون*، ۷۷، ۳۶-۴۱.
- پطروشفسکی و دیگران، ۱۳۴۹، *تاریخ ایران از دوره باستان تا پایان سده هجدهم*، ترجمه کریم کشاورز، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، تهران.
- پور طوق، م. (۱۳۸۰)، عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای امور دام و صنایع روستایی استان هرمزگان، *پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز*.
- خانی، ف. و احمدی، م. (۱۳۸۸). تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی - اجتماعی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: محدوده روستایی چیر- یامچی شهرستان زنجان). *پژوهش زنان*، (۴) ۷، ۹۵ - ۱۱۳.
- روستا، ک.، تاجریزی، ا. و زمانی‌پور، ا. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در تعاونی‌های تولیدی. *تعاون*، (۲) ۲۱، ۹۱ - ۱۰۹.
- شاعری، ع. م. و سعدی، ح. (۱۳۸۲). *راهنمای عملی مشارکت و ترویج منابع طبیعی*. نشر پونه: تهران.
- شهبازی، ا. (۱۳۸۲). *روستازادگان دانشمند*. انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری شقایق روستا، تهران.
- صفری شالی، ر. (۱۳۸۰). نقش توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان در توسعه پایدار، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی، انتشارات دفتر امور زنان روستایی، معاونت ترویج و نظام بهره برداری، وزارت جهاد کشاورزی، تهران.
- طالب، م. و نجفی اصل، ز. (۱۳۸۹). آموزه‌هایی از روند مشارکت روستایی در ایران. *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، (۱) ۲، ۴۸ - ۲۷.
- طوسی، م. ع. (۱۳۷۲). *مشارکت*. انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی: تهران.
- علی‌بیگی، ا. ح. و بنی عامریان، ل. (۱۳۸۸). عوامل دموگرافیک مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های ترویجی: مطالعه موردی شهرستان سنقر و کلیائی. *مطالعات اجتماعی - روانشناختی زنان*، (۲) ۷، ۱۱۵ - ۱۳۳.
- علی‌بیگی، ا. ح. و گلایی، س. (۱۳۹۲). تحلیل میزان مشارکت زنان روستایی شهرستان فلاورجان در تعاونی‌ها: کاربرد نردبان مشارکت شری آرنستین. *زن و جامعه*، (۴) ۴، ۲۱ - ۴۴.



- غفاری، ر. و ترکی هرچگانی، م. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان و دختران در توسعه مناطق روستایی استان چهارمحال و بختیاری (مطالعه موردی: روستاهای بخش فارسان). *فصلنامه جامعه شناسی مطالعات جوانان*، ۲(۳)، ۱۰۹-۱۳۰.
- قاسمی، ن. و واحدی، م. (۱۳۸۲). بررسی وضعیت تعاونی‌های زنان در ایران. *تعاون*، ۱۴۳، ۳۳-۲۷.
- قنبری، ی.، حجاریان، ا.، انصاری، ر. و کیانی، ف. (۱۳۹۱). شناسایی عوامل و موانع مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی (مطالعه موردی: شهرستان فریدون شهر). *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۲، ۷۱-۸۷.
- کوشکی، ف.، ایروانی، ه. و کلانتری، خ. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر بهبود مشارکت زنان در صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی: مطالعه موردی استان کرمانشاه. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۴(۱)، ۱۵-۳۳.
- محمودیان، ح. (۱۳۸۲). بررسی مشارکت زنان در نیروی کار در استان‌ها در سال‌های ۵۵، ۶۵ و ۷۵. *نامه علوم اجتماعی*، ۲۱۱، ۲۱۸-۱۸۹.
- مشیری، ر.، مهدوی، م. و علیایی، م. ص. (۱۳۸۸). بررسی نقش سواد و نیروی کار زنان در درآمد خانوار روستایی، مطالعه موردی: زنان روستایی دیواندره استان کردستان. *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، ۱۴، ۶۹-۸۲.
- Amin, A. and Ibrahim, Y. (۲۰۱۶). Sustainable community participation in home stay program. *International Business Management*, ۱۰(۱), ۱۸ - ۲۳.
- Besamusca, J., Tijdens, K., Keune, M. and Steinmetz, S. (۲۰۱۵). Working Women Worldwide. Age Effects in Female Labor Force Participation in ۱۱۷ Countries. *World Development*, ۷۴, ۱۲۳-۱۴۱.
- Franzen, F., Hammer, M. and Balfors, B. (۲۰۱۵). Institutional development for stakeholder participation in local water management An analysis of two Swedish catchments. *Land Use Policy*, ۴۳, ۲۱۷ - ۲۲۷.
- Krejcie, Robert. V., and Morgan, Daryle. W. (۱۹۷۰). Determining Sample Size for Research Activities. *Educational and Psychological Measurement*, ۳۰, ۶۰۷-۶۱۰.
- Kwayu, E.J., Sallu, S. M. and Paavola, J. (۲۰۱۴). Farmer participation in the equitable payments for watershed services in Morogoro, Tanzania. *Ecosystem Services*, ۷, ۱- ۹.
- Mmbando, F.E. , Wale, E.Z. and Baiyegunhi, L.J.S. (۲۰۱۵). Determinants of smallholder farmers' participation in maize and pigeon pea markets in Tanzania. *Agrekon*, ۵۴(۱), ۹۶ - ۱۱۹.
- Seetharam, M. (۱۹۹۰). *Citizen Participation in Rural Development*. New Delhi: Ashok Kumar Mittal.
- Sirivongs, K. and Tsuchiya, T. (۲۰۱۲). Relationship between local residents' perceptions, attitudes and participation towards national protected areas: A case study of Phou Khao Khouay National Protected Area, central Lao PDR. *Forest Policy and Economics*, ۲۱, ۹۲-۱۰۰.
- United Nations Development Programs. (۲۰۰۲). *Rural Development in Kazakhstan: Challenges and Prospects*. Almaty: UNDP.